

ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو*

امید علی‌احمدی^۱، هادی درویشی^۲، سمیه مؤمنی^۳

چکیده

طرح «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری» در محور تاریخی ناصرخسرو به منظور کاهش اغتشاشات بصری و تشخیص‌بخشی به نماها و فضاها با ارزش این محور، از سوی سازمان زیباسازی شهر تهران در حال انجام است. در این راستا سؤال اصلی این است که آیا اقدام مداخله‌ای پیرایش شهری و حذف زوائد بصری، باعث ایجاد بستری برای تحقق کارکردهای تاریخی، فرهنگی و گردشگری این محور خواهد شد؟

مقاله‌ی حاضر با استفاده از روش توصیفی، پیمایشی، میدانی و ابزارهای پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده نشان می‌دهد که عدم توجه به اسناد بالادستی و مغفول ماندن مؤلفه‌های رویکرد توسعه‌ی پایدار همچون امنیت و هویت در طراحی این پروژه، عاملی مختل‌کننده در اثرگذاری طرح خواهد بود. در عین حال اگر اقدام مداخله‌ای با رعایت پیشنهادهای تحقیق حاضر انجام پذیرد، شاهد تحقق اهدافی چون تقویت حس تعلق به مکان، افزایش احساس رضایت و اعتماد

* این مقاله از طرح «ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصرخسرو» (انجام شده طی دی ماه ۱۳۹۴ تا تیر ماه ۱۳۹۵، تحت حمایت سازمان زیباسازی شهر تهران) استخراج شده است.

Omid.aliahmadi@aiau.ac.ir

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان

hadidarvishi26@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، نویسنده مسؤول

somayehminoo@gmail.com

۳- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۵

تاریخ وصول: ۹۶/۴/۲۰

شهروندان به مدیریت شهری، کاهش خروج سکنه از این محور، کاهش روند تبدیل کاربری مسکونی به تجاری، رونق کسب و کار و افزایش گردشگری و تردد در اینجا خواهیم بود. **واژگان کلیدی:** ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی (اتاف)، پیرایش شهری، محور ناصرخسرو، توسعه‌ی پایدار

مقدمه و بیان مسأله

مطابق با داده‌های طرح جامع شهر تهران، منطقه‌ی ۱۲ گسترده‌ترین بافت‌های ارزشمند و بیشترین بناها و فضاهای شاخص و ممتاز تاریخی تهران را در خود جای داده است. این مهم، بالاترین مزیت نسبی منطقه‌ی ۱۲ محسوب می‌شود. در این میان بخش وسیعی از بدنه‌های ارزشمند شهری (جدارهی خیابان‌ها) که تاریخ و نشانه‌ی سیمای شهری تهران را تشکیل می‌دهند، تخریب شده و از بین رفته‌اند و الحاقات آزاردهنده‌ای نیز به بقایای این بدنه‌ها و بناها افزوده شده است. بخش باقیمانده‌ی بدنه‌های شهری نیز در معرض تخریب و جایگزینی با معماری‌ای بی‌هویت و فاقد ارزش است (طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ شهر تهران، ۱۳۸۵:۲۱).

خیابان ناصرخسرو واقع در منطقه‌ی ۱۲، در امتداد شمالی - جنوبی و حدفاصل میدان امام خمینی (ره) و خیابان ۱۵ خرداد و در تقاطع با خیابان‌های صوراسرافیل و سعدی جنوبی قرار دارد. کاربری‌های ضلع غرب شامل ساختمان‌های وزارت دارایی و امور اقتصادی، شرکت مخابرات، مدرسه‌ی دارالفنون، شمس‌العماره و مغازه‌های صنوف مختلف است و کاربری‌های ضلع شرقی شامل مغازه‌های فروش لوازم برقی، آزمایشگاهی، محوطه‌ی ورودی مدرسه‌ی مروی و کوچه‌ی مروی قرار گرفته است.

این خیابان به سال ۱۲۴۶ (ش) با پر کردن خندق شرقی ارگ و از بین رفتن بازار بزرگ کنار خندق، به نام ناصرالدین شاه به خیابان ناصری تبدیل و دکان‌های جدید در اطراف آن احداث شد، تا سال ۱۲۵۰ (ش) به همت امین حضور این خیابان شخصیت جدید و ارزشمندی به خود گرفت. بعد از ورود چراغ‌های چُلدنی و نصب آنها در اطراف خیابان و افزایش حرکت کالسکه‌های زیبا در این خیابان، این گذر به یکی از تفرجگاه-

های تهران قدیم تبدیل شد. البته هر دو بدنه‌ی خیابان فعال نبود چون دکان‌های زیبای نوساز در بدنه‌ی شرقی قرار داشت ولی دیوار ارگ در بدنه‌ی غربی از رونق آن کاست. هر چند وجود دارالفنون تا حدودی وجهه‌ی آن را تلطیف و تقویت نمود، در سال‌های بعد نیز احداث شمس‌العماره این جبهه از خیابان ناصری را ارزشمند کرد.

خیابان ناصرو خسرو در دوره‌ی پهلوی اول تعریض شد و بر اثر این تعریض همه‌ی نماهای قدیمی‌تر آن به استثنای نمای سردر باب عالی (در شمس‌العماره و خود ساختمان آن) تخریب شدند، در واقع در آن دوره بدنه‌های دو طرف خیابان بازسازی شد و با اعمال ضوابط خاص نماسازی که توسط بلدیه وقت اعمال گردید سراسر خیابان، چهره-ای هماهنگ به خود گرفت. حاصل اعمال این ضوابط، ساختمان‌های آجری است که امروزه حدود نیمی از آنها در بدنه‌های خیابان ناصر خسرو باقی مانده است و نیمی دیگر از نماهای این خیابان طی پنج دهه‌ی اخیر با ساختمان‌های نوسازی شده با الگوی مدرن و شبه‌مدرن، بدون در نظر گرفتن همخوانی با نماهای موجود قدیمی جایگزین گشته است (صفامنش و منادی‌زاده، ۱۳۷۵: ۳۹-۲۶).

از سوی دیگر، خیابان ناصر خسرو در حال حاضر ایفا کننده‌ی چندین عملکرد گوناگون است؛ عوارض ناشی از انجام برخی از این عملکردها و خدمات، آنچنان پیکره‌ی بناهای موجود و همچنین سطح خیابان را مورد آسیب قرار داده که خطرات جدی زیادی را برای این محور فراهم آورده است. حضور مغازه‌ها و خدمات تجاری که مهمترین عملکرد این خیابان محسوب می‌شوند در عین حال که سبب رونق و ایجاد جنب و جوش زندگی در خیابان است اما در حال حاضر به دلیل نحوه‌ی استفاده ناصحیح از ساختمان‌ها، بار منفی را به کالبد بناها تحمیل کرده‌اند. عملکرد تجاری خیابان ناصر خسرو که عمدتاً در اختیار خدمات تجاری عمده‌فروشی قرار دارد، خدمات جنبی دیگری را در اطراف خود گردآورده که به شدت به آنها وابسته‌اند، مهمترین این خدمات انبارها و کارگاه‌های تولیدی هستند که بخش بزرگی از سطح طبقات فوقانی ساختمان‌ها را اشغال نموده‌اند. اختصاص دادن طبقات فوقانی به انبارها و رها کردن آنها در دست

عوامل فرساینده‌ی محیطی، لطمات زیاد و جبران‌ناپذیری را به ساختمان‌ها وارد آورده و به سرعت انهدام آنها افزوده است (گلشنی، ۱۳۷۷).

خیابان ناصر خسرو بیشترین آثار به جامانده‌ی تاریخی- فرهنگی دوران خویش را حفظ کرده و بخشی از این بدنه‌های ارزشمند را در خود جای داده است. نکته‌ی بارزی که در حال حاضر در بدنه‌های این خیابان به چشم می‌آید، توده‌ی فرسوده و سرهم بندی شده‌ای از قطعات الحاقی و تغییرات و دستکاری‌هایی است که روی شکل اولیه‌ی نماها صورت گرفته است. تابلوهای زشت و بی‌تناسب مغازه‌ها، بالکن‌های اشغال شده با مصالح نازل، کانال کولرها، نماهای قدیمی که با همه‌ی زیبایی، از شدت فرسایش و عدم رسیدگی در حال فرو ریختن است. همچنین در حال حاضر آنچه به مشخصه‌ی هویت- بخش خیابان فوق افزوده شده، فروش غیرقانونی داروهای کمیاب و نایاب و تردد معتادان و بزهکاران است که در اذهان مردم به عنوان مکان خرید و فروش دارو و اجناس قاچاق و... نقش بسته است.

مجموعه‌ی این عوامل باعث خدشه به هویت تاریخی محور ناصر خسرو شده است به طوری که با شنیدن نام محور ناصرخسرو، آنچه در بادی امر به ذهن تداعی می‌شود مترادف با دارو، مواد مخدر و به طور کلی احساس ناامنی است. این مسأله باعث گردیده تا هویت تاریخی ناصرخسرو به عنوان اولین خیابان مدرن تهران با قرارگیری مکان‌هایی با کارکرد تاریخی- فرهنگی همچون عمارت شمس‌العماره به عنوان تنها اثر ثبت جهانی شده‌ی تهران، خانه‌ی امام جمعه، مدرسه‌ی دارالفنون، کوچه و بازارچه‌ی مروی، سرای روشن و نشاط و... همه از انظار پنهان بمانند.

سازمان زیباسازی شهر تهران، طرح «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» را برای جلوگیری از نابسامانی سیمای محور ناصر خسرو که خصوصاً طی پنج دهه‌ی اخیر شکل گرفته، به عنوان یکی از راهبردهای حل مسأله دنبال نموده است. این اقدام مداخله‌ای برای اصلاح وضعیت موجود جداره‌ها در حال انجام است، در حالی که صرف بهسازی و حذف زوائد بصری نماهای شهری از محور ناصرخسرو،

نمی‌تواند مشکلاتی را که در طول چند دهه‌ی گذشته در این محدوده به وجود آمده است از بین برده و به حال سابق برگرداند.

از این رو، در این مقاله در کنار سؤالاتی که دغدغه‌ی هر مطالعه‌ی اتافی است، همچون؛ ذینفعان پروژه‌ی «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصرخسرو چه کسانی هستند؟» یا اینکه «این اقدام مداخله‌ای چه تأثیرات اجتماعی و فرهنگی مثبت و منفی احتمالی در پی خواهد داشت؟» و توصیه‌ها و پیشنهادهای کاهش و تعدیل پیامدهای منفی احتمالی و افزایش پیامدهای مثبت برای پروژه کدام هستند؟، تلاش می‌شود در سطحی بالاتر، میزان تناسب و همسویی این طرح با اسناد بالادستی در تحقق کارکردهای فرهنگی- تاریخی و گردشگری محور (طرح جامع شهر تهران و طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲) و مؤلفه‌های رویکرد توسعه‌ی پایدار (متغیرهایی همچون امنیت و هویت) مورد سنجش قرار گیرد. سؤالاتی همچون؛ چگونه می‌توان با توجه به اهمیت ویژه و فرامنطقه‌ای منطقه‌ی ۱۲ در شهر تهران و در کشور، اجرای پروژه‌هایی از این دست را در متنی بسیار بزرگتر از جامعه، کالبد و فرهنگ شهری تهران قرار داد؟ تا چه حد این اقدام مداخله‌ای، به صرف نگاه تک بُعدی زیباشناسانه به طرح و بدون توجه به واقعیت‌های جاری در محور همچون آفت کیفیت زندگی، گسترش احساس ناامنی و عدم حس تعلق به مکان، موفق خواهد بود؟ ادامه و توالی چرخه‌ی آفت کیفیت زندگی، مهاجرت ساکنان و خالی شدن محور از تردد و در عوض گسترش احساس ناامنی ناشی از تجمع فروشندگان دارو و مواد و معتادان، چه تبعاتی را بر اجرای پروژه‌ی «پیرایش شهری و حذف زوائد محور ناصرخسرو» و مهمتر از آن تحقق اهداف طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ در پی خواهد داشت؟

در حقیقت آنچه ضرورت و اهمیت اتاف را برای این پروژه برجسته‌تر می‌نماید این است که «اتاف به تجربه‌ها و واکنش‌های مردم از تغییرات کوتاه‌مدت و بلندمدتی که در زندگی‌شان ایجاد می‌شود، بسیار حساس است. قضاوت‌های مردم درباره‌ی اقدامات توسعه‌ای نیز برای اتاف اهمیت زیادی دارد» (فاضلی، ۱۳۸۹: ۶۵)؛ از همین رو نیاز است

با استفاده از ارزیابی تأثیر اجتماعی و فرهنگی، با ایجاد مبنایی علمی، امکان ارزیابی نظام‌مند این اقدام مداخله‌ای را پیش از بروز آثار منفی احتمالی آن بر کیفیت زندگی افرادی که تحت تأثیر پروژه‌ی مورد نظر قرار دارند، فراهم کرده و پیامدهای اجتماعی فرهنگی آن را برآورد و مناسب‌ترین راهکارها، توصیه‌ها و کاربست‌های لازم برای کاهش تأثیرات منفی و افزایش تأثیرات مثبت پیشنهاد گردد. از سوی دیگر، اهمیت جایگاه محور ناصر خسرو از لحاظ تاریخی، هویتی و کارکردی است بنابراین اگر اقدام مداخله‌ای مورد نظر با بیشترین منافع و کمترین مضرات صورت گیرد، محور ناصر خسرو می‌تواند در زمینه‌ی زیباسازی به عنوان یک الگو هم در منطقه‌ی ۱۲ و هم در سطح تهران در نظر گرفته شود. افزون بر اینها، بر اساس برنامه‌ریزی و ساماندهی بهینه در توسعه‌ی پایدار، سازگاری میان فعالیت‌های زیباسازی و بهسازی و نگاه فرهنگی و اجتماعی توصیه می‌شود، بنابراین دیدگاه صرفاً زیبایی‌شناسانه باید جای خود را به دیدگاهی بدهد که بر پایه‌ی آن نظام‌بخشی به مناسبات کالبدی، اجتماعی شهر و پاسخگویی به نیازهای همه‌جانبه، نه با قبول بی‌چون و چرای فعالیت‌های نوسازی و بهسازی، بلکه با تلفیق آن با اعتلای کیفیت شرایط زندگی که امنیت نیز از جمله شاخصه‌های آن به شمار می‌آید، میسر گردد. پس اتاف با در نظر گرفتن موارد بالا می‌تواند موجب موفقیت طرح و رسیدن به اهداف مورد نظر گردد.

در همین ارتباط آگاه کردن ذی‌نفعان اقدامات توسعه‌ای درباره‌ی پی‌آمدهای مثبت و منفی اقدامات توسعه‌ای، سهیم کردن آنان در تصمیم‌گیری درباره‌ی توسعه، انعطاف‌پذیر کردن فرآیندهای تصمیم‌گیری و مدیریت توسعه و آماده کردن مدیران برای مقابله با رخدادهای پیش‌بینی نشده از جمله اهداف اتاف بیان شده است؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش نیز، پیش‌بینی و شناخت آثار و پیامدهای اجتماعی ناشی از طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو در راستای اصلاح و مدیریت این آثار و پیامدهاست.

همانطور که گفته شد سازمان زیباسازی شهر تهران به عنوان متولی اجرای موادی از

قانون شهرداری‌ها و قانون نوسازی و عمران شهری^۱، مجری طرح «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» است تا علاوه بر کاهش اغتشاشات بصری در سیما و منظر این خیابان و تشخیص بخشی به نماها و فضاهای با ارزش آن، باعث افزایش بازدهی اقتصادی این محور شود. پروژه‌ی سازمان زیباسازی شهرداری تهران با عنوان "انجام مطالعات و تدوین راهکارها و دستورالعمل‌های حذف زوائد و الحاقات بصری از نماهای شهری" که از سال ۱۳۹۱ آغاز شده در رابطه با حوزه‌ی مداخله‌ی «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» در ناحیه‌ی ۲، منطقه‌ی ۱۲ برنامه‌ریزی شده است و در زمره‌ی اقداماتی است که می‌تواند الگویی قابل تعمیم را در حوزه‌ی ارتقاء کیفیت فضاهای شهری، بویژه در محورهایی که دارای ارزش تاریخی، اعم از معماری با قدمت و یا معاصر هستند، رقم زند. هدف این پروژه به گونه‌ای تدوین و برنامه‌ریزی شده است که امر جداره‌سازی را که سمت‌گیری آن ایجاد مطلوبیت بصری برای رونق و سرزندگی در یک فضای شهری است، در یک بازه‌ی زمانی میان‌مدت به سرانجام رساند (مهندسان مشاور مانیستار پارسه، ۱۳۹۳: ۹)؛ بدین منظور در اولین مرحله‌ی انجام طرح، اقدام به شناسایی خیابان برای بلوک‌بندی و سهولت در شناسایی و مطالعه‌ی پلاک‌ها برای مراحل آسیب‌شناسی و طراحی شده است. محدوده‌ی مورد مطالعه دقیقاً از ابتدای خیابان ناصر خسرو در تقاطع با خیابان پانزده خرداد تا میدان امام خمینی است. به طور کلی در خیابان صور اسرافیل، تقاطع سعدی جنوبی و خیابان مروی گشودگی‌های موجود خیابان که اساس بلوک‌بندی‌های بعدی قرار می‌گیرند عبارتند از دسترسی محله‌ای به درون بافت‌ها خصوصاً در جبهه‌ی شرقی. به این ترتیب پلاک‌ها در حد فاصل این گشودگی‌ها جمعاً به ۱۱ بلوک در جبهه‌ی شرقی و ۳ بلوک در جبهه‌ی غربی تقسیم‌بندی شده‌اند. طول این بلوک‌ها متفاوت بوده و از کوتاهترین آنها شامل یک پلاک ساختمانی تا بلندترین آنها و جداره‌ی مربوط به محوطه‌ی وزارت امور اقتصادی و دارایی که عملاً

۱. بندهای ۱۴، ۲۵ و ۲۷ از ماده ۵۵ و مواد ۱۰۲، ۹۲، ۱۰۳، و ۱۱۰ قانون شهرداری‌ها و ماده ۲۳ قانون نوسازی و

در طراحی لحاظ نشده است را شامل است. ترتیب شماره‌گذاری بلوک‌ها از جنوب خیابان شروع شده و اولین بلوک‌ها در تقاطع خیابان ناصر خسرو با پانزده خرداد می‌باشد. بدین منظور آنچه که بر روی بدنه است شامل بی‌نظمی کابل‌های برق و تلفن، لوله‌های گاز و کانال کولرها باید حذف یا از لحاظ بصری پیرایش شوند. همچنین کرکره و سایبان مغازه‌ها یکدست می‌شوند و تابلوها با نظم خاصی جانمایی می‌گردد.^۱

همانطور که اشاره شد طی چند دهه‌ی اخیر فعالیت روزافزون فروشندگان دارو و مواد و تجمع معتادان و بزه‌کاران، مشکلات مختلف ذهنی و عینی برای منطقه ایجاد کرده و در کاهش گردشگری، غلبه‌ی عبور بر حضور و در کل ندیدن آثار تاریخی و گردشگری این محور مؤثر بوده است. به طوری که داده‌های حاصل از نظر رهگذران در پاسخ به این سؤال که با شنیدن نام خیابان ناصر خسرو، اولین تصویر و برداشتی که در ذهن شما ایجاد می‌شود، کدام است؟، تصویر ناصر خسرو به عنوان محلی برای تجمع فروشندگان دارو و مواد بر تصویر تاریخی فرهنگی آن غلبه دارد.

جدول شماره‌ی ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب اولین تصویر متبادر به ذهن با شنیدن نام

خیابان ناصر خسرو

گویه	درصد
محلی برای تجمع فروشندگان دارو و مواد	۳۸
خیابانی تاریخی و فرهنگی	۳۴
بورس لوازم الکتریکی	۱۸
سایر	۱۰
کل	۱۰۰

مجموع این عوامل، سرمایه‌ی عظیم تاریخی هویتی خیابان ناصر خسرو، منطقه‌ی دوازده و کل تهران را تهدید می‌کند. خالی شدن محله از سکونت روزانه و شبانه، کاهش تردد، کاهش میل به سکونت یا فعالیت تجاری، افزایش تجمع معتادان و بزه‌کاران و

۱. شرکت مهندسان مشاور مانیستار پارسه، جلد اول، ۱۳۹۳

حضور داروفروشان، آثار انباشتی را به وجود می‌آورد که از مهمترین آنها می‌توان به پیامدهای «عدم امنیت در زندگی و فعالیت اقتصادی»، «تسلط بخش اقتصادی خاص»، «کاهش رضایت مراجعین مختلف روزانه»، «ایجاد بستری برای افزایش رفتارهای اجتماعی و اقتصادی نابهنجار» اشاره داشت که همه‌ی این موارد باعث می‌شود که اگر اقدام توسعه‌ای برای اصلاح امور اتفاق نیفتد، روز به روز محور ناصرخسرو، ناحیه‌ی ۲ و منطقه‌ی ۱۲ از کارکردهای گردشگری، تاریخی و فرهنگی که برای آن تعریف شده است، دور شده و آثار این نابهنجاری‌ها به خاطر نقش فرامنطقه‌ای این محدوده، سریعاً منتشر گردد.

آثار ثانویه‌ی ناشی از اُفت محسوس کیفیت زندگی در کنار گسترش احساس ناامنی و از بین رفتن هویت تاریخی محور ناصرخسرو، منجر به گریز ساکنان اصیل از محور، تفاوت فاحش جمعیت شب و روز، گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و بزه‌کاری، تجمع و تردد معتادان و کارتن‌خواب‌ها در این محور شده است. فرآیند تاریخی رشد این روند و تصویر ذهنی ایجاد شده از محور ناصر خسرو به عنوان مکانی ناامن و جُرم‌خیز که هم اکنون نیز در حال برجسته شدن است، خدشه‌ای بزرگ بر سیمای هویتی آن و تأثیری شگرف و مختل‌کننده برای تحقق کارکردهای تاریخی- فرهنگی منطقه‌ی ۱۲ و تحقق اهداف طرح تفصیلی داشته است و ادامه‌ی این آثار ثانویه به جایی می‌رسد که مقابله با ناامنی، به صورت خروج از محله به عنوان یکی از راههای مقابله، تشخیص داده شده، مورد اجرا قرار می‌گیرد. بدین ترتیب طی یک فرآیند تاریخی مسائل منطقه‌ی ۱۲ در کنار شرایط حاکم بر محور ناصرخسرو بر وسعت نگرانی‌ها افزوده است که موارد مهم آن به شرح زیر است:

هویتی : اضمحلال روز افزون ارزش‌های فرهنگی اجتماعی در پنج دهه‌ی گذشته؛
کالبدی و فضایی: فرسودگی فزاینده‌ی بناها، مجموعه‌ها و بافت‌ها با تخریب شدن عرصه‌های عمومی؛

کارکردی: گریز کارکردهای برتر و غلبه‌ی کاربری‌های ناسازگار با یکدیگر و با مرکز

تاریخی؛

اقتصادی: عدم تعادل شدید در قیمت‌های زمین، ملک و سرقفلی در بخش‌های مختلف منطقه و در مقایسه با سایر مناطق، گریز فعالیت‌های منابع اشتغال برتر و جایگزینی فعالیت‌های نازل؛

جمعیتی: گریز ساکنان اصیل و جایگزینی اقشار ناتوان، تفاوت فاحش جمعیت شب و روز ساکن و غیر ساکن، ناهنجاری‌های اجتماعی و بزه‌کاری؛^۱

از این رو جداره‌سازی محور ناصر خسرو بیش از آن که یک پروژه باشد و به این عنوان به آن نگریسته شود، یک جریان توسعه‌ی شهری در یکی از ارزشمندترین محورهای تاریخی تهران است. این جریان بدواً نمی‌تواند تمامی نیازهای توسعه‌ی فضای شهری واجد کیفیت و مطلوبیت را که به همان نسبت از اهمیت و حساسیت برخوردار است پوشش دهد اما می‌تواند چشم‌اندازی از توسعه را ترسیم نماید که اهمیت و حساسیت این محور را با توجه به وجود تنها اثر میراثی ثبت شده‌ی جهانی تهران در آن برنمایاند. به این ترتیب این فرآیند یا جریان توسعه، باید بر آن جنبه‌هایی از کار استوار گردد که از یک سو امکانات توسعه‌ی فضایی محور را از منظر ظرفیت توسعه‌ی ساختاری مورد توجه قرار دهد و از دیگر سو، امکان ارتقاء کیفیت‌های بصری این محور ارزشمند را مورد سنجش عملی قرار دهد؛ یعنی فرآیند توسعه‌ی محور به عنوان جریانی که می‌خواهد اهمیت محور را برای کاربران، شاغلان، ذینفعان و مخاطبان بازتعریف کرده و از تمامی آنان یاری و همیاری بطلبد حائز اهمیت است و نه صرفاً از منظر آنچه که از این جداره حذف می‌شود و یا به آن افزوده می‌شود.

ارزیابی چنین فرآیندی نمی‌تواند تنها در حوزه‌ی طراحی شهری و بدون توجه به راهکارهای عملی کوتاه‌مدت مورد ارزیابی قرار گیرد. راهکارهای کوتاه‌مدت راهکارهایی نیستند که هدف آن یک طراحی با کیفیت تمام شده برای یک فضای شهری واجد ارزش‌های بصری است، بلکه همانا سنجش اثرات بصری و کیفیت منظر در فرآیند تغییر

۱. طرح تفصیلی منطقه ۱۲ شهر تهران، سال ۱۳۸۵، مهندسین مشاور باوند

و ارتقاء کیفیت فضاهاست، تا امکان دستیابی به الگوهای کارآمدتر و با افق زمانی میان‌مدت و درازمدت را امکان‌پذیر سازد. مبانی نظری طراحی و جداره‌سازی محور از مشاهده‌ی وضعیت حاضر و آشفتگی‌های بصری، تأثیرگذار بر منظر محور آغاز می‌شود و نهایتاً ساختار عملکردی کل محور را از منظر همین تأثیرات بصری مورد ارزیابی قرار می‌دهد.^۱

مباحث نظری

مدل نظری / مدل مفهومی

بررسی اتاف پیش رو، بر پایه‌ی رویکرد «توسعه‌ی پایدار» و «توسعه‌ی پایدار شهری» و دخالت دادن شاخص‌های کیفی در ابعاد مدیریت شهری استوار است.

درباره‌ی تاریخچه‌ی مفهوم توسعه‌ی پایدار می‌توان گفت که این مفهوم، نخستین بار در دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ میلادی در آثار افرادی چون راشل کارسون و گات هاردین ظهور یافت (زیاری، ۱۳۸۵: ۲۵). در سال ۱۹۷۸ پس از طرح آن در مجمع عمومی سازمان ملل و مورد پذیرش قرارگرفتن توسط اکثر کشورهای عضو رایج شد. طرح این موضوع به دنبال گزارش هیأتی بود که از طرف سازمان ملل متحد، مأمور علت‌یابی نابسامانی‌های بهداشت و محیط زیست کشورهای جهان شد. این هیأت نتایج حاصل از تحقیقات خود در زمینه‌ی توجه به پایداری توسعه را در کتابی با عنوان «آینده‌ی مشترک» منتشر نمود و به دنبال آن، مفهوم توسعه‌ی پایدار در مجامع بین‌الملل مطرح گردید (موحد، ۱۳۸۶: ۶۳). با تشکیل کنفرانس زمین در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ موضوع توسعه‌ی پایدار در سراسر جهان به چالش جدی فراخوانده شد که در آن به مشارکت جوامع در رهیافت ارتقا و بهبود وضعیت محیط زیست و توسعه‌ی پایدار شهر تأکید گردید (کولینگ و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۲۴).

در پاسخ به اینکه توسعه‌ی پایدار چیست، تعریف واحدی وجود ندارد. از نظر موکومو، توسعه‌ی پایدار برآورنده‌ی نیاز و آرمان‌های انسان‌ها نه فقط در یک کشور و

منطقه که تمام مردم در سراسر جهان در حال و آینده است (موکومو، ۱۹۹۶: ۱۶۶). توسام نیز توسعه‌ی پایدار را نوعی راهبرد توسعه می‌داند که تمام دارایی‌ها و منابع طبیعی و انسانی را به خوبی منابع مالی و فیزیکی برای افزایش ثروت در بلندمدت مدیریت می‌کند، بنابراین مخالف هر سیاست یا عملکردی است که به نوعی منافع نسل‌های بعدی را به خطر اندازد (توسام، ۲۰۰۱: ۲۹۰).

شاید جامع‌ترین و کامل‌ترین تعریف از توسعه‌ی پایدار، مربوط به «کمسیون جهانی محیط زیست و توسعه» معروف به کمسیون برونتلند^۱ باشد که توسعه‌ی پایدار را توسعه‌ای می‌داند که نیازهای زمان حال را بدون به مخاطره‌انداختن قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها برای نسل‌های آینده برآورده می‌سازد (راجرز و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۱۵).

بخش عمده‌ای از توسعه‌ی پایدار می‌تواند در شهر اتفاق افتد، همچنان‌که مک‌نیل معتقد است، توسعه‌ی پایدار به میزان وسیعی با شهر ارتباط پیدا می‌کند که دلایل عمده این ارتباط را باید در توزیع جمعیت، نقش دولت‌ها در سطوح مختلف و تولید و مصرف کالا و خدمات دید (مک‌نیل و همکاران، ۱۹۹۱: ۱۹۵)؛ بنابراین در ادامه مفهوم توسعه‌ی پایدار در رابطه با شهر، مفهوم دیگری به نام «توسعه‌ی پایدار شهری» پدیدار می‌گردد. این مفهوم، حاصل بحث‌های طرفداران محیط زیست درباره‌ی مسائل زیست‌محیطی، بخصوص محیط زیست شهری است که به دنبال نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد (زیاری، ۱۳۸۵: ۹۸).

پیتر هال توسعه‌ی پایدار شهری را شکلی از توسعه‌ی امروزی تعریف کرده است که توان توسعه‌ی مداوم شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند (هال، ۲۰۰۰: ۲۶). در همین راستا هاگان نیز معتقد است که توسعه‌ی پایدار شهری یک فرایند پویا و بی‌وقفه در پاسخ به تغییر فشارهای اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی است (هاگان، ۱۹۹۵: ۲۷۶)؛ بنابراین نظریه توسعه‌ی پایدار شهری به مثابه‌ی دیدگاه راهبردی به نقش دولت در برنامه‌ریزی‌های شهری اهمیت بسیار می‌دهد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۳۴۰).

به کارگیری رویکرد توسعه‌ی پایدار در این اتاف، در واقع واکنشی است به نگاه تک‌بعدی زیاشناسانه در اجرا و پیشبرد طرح «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو». در حقیقت بر پایه‌ی این رویکرد، نقطه‌ی قوت طرح‌های مدیریت شهری، توجه به ارتباط و برقراری رابطه‌ی میان عناصر و اجزاء توسعه به شکل منطقی و معقول است. در این میان ضرورت پرداختن به مقوله‌ی «امنیت و هویت شهری» از این جهت مهم می‌نماید که پیوستگی متقابل میان امنیت، هویت و توسعه اجتناب‌ناپذیر است و در اجرای طرح «پیرایش شهری و حذف زوائد محور ناصر خسرو» با توجه به اهداف طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ مغفول مانده است؛ از این رو به تبیین مدلی خواهیم پرداخت که به وابستگی متقابل توسعه‌ی پایدار، امنیت شهری و هویت توجه خواهد داشت. از آنجا که طرح «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» از منظر زیباسازی سیمای شهری به اجرا درآمده است و حوزه‌ی مداخله‌ی اصلی آن جداره‌های خیابان است. حتی با لحاظ کردن این موضوع، سنجیدن آن با مدل کوین لینچ^۱ در تئوری «شکل خوب شهر»، نمایانگر غفلت طرح مزبور از معیارهای هویت و امنیت در مباحث طراحی شهری است. بدین ترتیب مدل نظری گروه اتاف از خیابان به عنوان مهم‌ترین عنصر کیفی و کمی در تشکیل سازمان فضایی شهر آغاز خواهد شد و سپس به صورت استقرایی و با توجه به نقش فرامنطقه‌ای محور ناصر خسرو تا سطح منطقه‌ی ۱۲ گسترده خواهد شد، بدین علت که تیم اتاف معتقد است که هرگونه اقدام مداخله‌ای در هر نقطه از این منطقه شهری تهران، باید در سطح وسیع‌تر آن یعنی منطقه‌ی ۱۲ لحاظ شود.

زیباسازی شهری و عنصر خیابان

کوین لینچ معتقد است خیابان یا شبکه‌ای که جهت حرکت را معمولاً یا بالقوه در مجتمع‌های شهری به وجود می‌آورد، مؤثرترین وسیله‌ای است که براساس آن می‌توان مجموعه‌ی پیوسته شهر را به نظام در آورد. بر این اساس خیابان عنصر اصلی ساختار شهر و یک زیرسیستم در سازمان فضایی شهر محسوب می‌شود (آتشین‌بار و

دیگران، (۱۳۹۱: ۹۳).

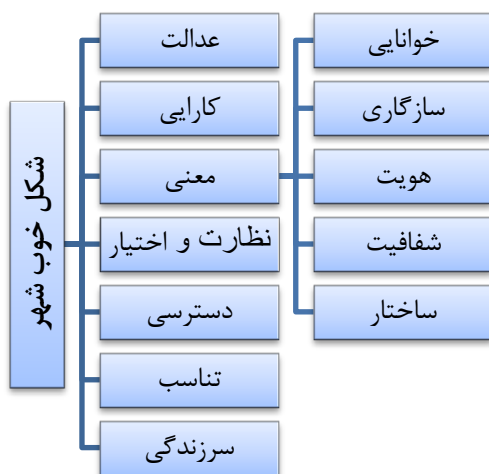
از عهد ناصری، خیابان به عنوان یک عنصر و فضای جدید شهری در تهران نمایان می‌شود. در این دوره در بخش‌های جدید شهر، الگوی تازه‌ای از ساخت معابر اصلی و خیابان‌ها دیده می‌شود که با بخش قدیمی و مرکزی شهر که بافتی به هم تنیده و معابر و گذرهای پیچ در پیچ دارد، کاملاً متفاوت است. در خیابان‌کشی‌های جدید با دو الگو روبرو هستیم: الگوی اول خیابان‌هایی است که به صورت بلوار بوده و درختکاری شده است و در دو سمت این خیابان، تک‌بناهایی ساخته شده که نسبت به خیابان عقب نشسته‌اند و دورتا دور بنا را فضای سبز و درختکاری شده می‌پوشاند، خیابان امین السلطان (فردوسی) از این نمونه است. نوع دوم، خیابان‌هایی است که در طرفین آن بناهای رو به خیابان، بدنه‌های ممتد و منظم را شکل می‌دهند و هم‌همی فضاهای اصلی و ورودی‌های رو به خیابان دارند. این الگو بیشتر در خیابان باب همایون و ناصریه (ناصر خسرو) قابل رؤیت است. در هر دو الگو، خیابان فضای شهری با هویتی است دارای مبدأ و مقصدی معین با فضاهای تعریف شده و ارتباطات منظم در بدنه‌های حاشیه‌ی آن. این خیابان‌ها نه مفهوم و عملکرد رسمی و نمادین همسان چهارباغ را داشته‌اند و نه مانند خیابان‌های دوره بعد، صرفاً دسترسی سواره رو محسوب می‌شده‌اند، بلکه فضاهای با هویتی را می‌ساختند که جریان زندگی و حرکت شهر در آن می‌گذشت (محمدزاده مهر، ۱۳۸۱: ۲۳).

همانطور که ذکر شد خیابان ناصرخسرو از جمله این خیابان‌های با هویت با کارکردهای اقتصادی، تاریخی و فرهنگی است و با توجه به اهمیت این خیابان و قرارگیری آن در منطقه ۱۲، هرگونه اقدام مداخله‌ای در این محور باید در چارچوب اسناد بالادستی و طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ نگریسته شود. راسکین معتقد است منظر شهری بیش از یک مسأله برنامه‌ریزی و طراحی شهری است و در درجه‌ی نخست مسأله ارزش‌ها، اهداف انسانی و به رسمیت شناخته شدن مسؤولیت‌های اجتماعی است (مویدی، علی‌نژاد و نوایی، ۱۳۹۲: ۱۷۱). این در حالی است که در نظریه‌های کنونی، منظر شهری را تنها از بُعد

زیبایی‌شناسی و یا مطلوبیت فضای شهری مهم ندانسته بلکه جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مترتب بر آنرا نیز حائز اهمیت تلقی نموده است. چنان‌که در پی خواهد آمد سنجش اقدام مدخله‌ای پیرایش شهری با مدل‌های نظری زیباسازی همچون «شکل خوب شهر» به روشن شدن عدم توجه به این جنبه‌ها کمک خواهد کرد.

سنجش طرح «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» با مدل «شکل خوب شهر»^۱ کوین لینچ

کوین لینچ در تئوری «شکل خوب شهر»، هفت ارزش یا معیار را برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می‌کند، شامل «سرزندگی»، «معنی»، «تناسب»، «دسترسی»، «نظارت و اختیار»، «کارایی» و «عدالت».



نمودار شماره ۱: نمودار تئوری شکل خوب شهر (کوین لینچ)

لینچ هر یک از این معیارها را با معیارهای ریزتری توضیح داده و سنجش می‌کند. معیار یا سنجشی «معنی» یعنی اینکه شهر تا چه اندازه می‌تواند به وضوح درک شده، از نظر ذهنی قابل شناسایی باشد و ساکنانش، آن را در زمان و مکان به تجسم درآورند و تا چه اندازه آن ساختار ذهنی با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه در ارتباط است؛ یعنی انطباق محیط با

توانایی‌های احساسی و ذهنی و ساختارهای فرهنگی (لینچ ۱۳۸۱: ۱۵۲-۱۵۳). آنچه از این مدل در راستای فهم اقدام مداخله‌ای «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری» مهم می‌نماید، معیار «معنی» است که خود شامل پنج زیر عنوان است: «ساختار»، «هویت»، «شفافیت»، «سازگاری» و «خوانایی» است.

«هویت» و «ساختار» خود از اجزای معنی هستند، این دو جنبه، جنبه‌هایی از شکل را توضیح می‌دهند که به ما امکان می‌دهند فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی کنیم. به گمان لینچ، ساده‌ترین شکل بیان «معنی» در خصوص مفهوم این واژه‌ی کلی، «هویت» است؛ در واقع، معنی یک محل یعنی حدی که شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکان متمایزی از سایر مکان‌ها شناخته و یا بازشناسی نماید. به طوری که شخصیتی مشخص، بی‌نظیر و یا حداقل مخصوص به خود را دارا شود. این کیفیت است که طراحان غالباً در جستجوی آن بوده و به گرمی درباره‌ی آن بحث می‌کنند. «هویت»، عملکردی واضح، تقریباً عملی و قابل پیش‌بینی دارد. مکان‌های معنادار و قابل درک تکیه‌گاه مناسب هستند که خاطرات شخصی، احساس‌ها، ارزش‌ها بر آنها تکیه می‌کنند. هویت مکانی پیوند نزدیکی با هویت شخصی پیدا می‌کند. اینکه «من اینجا هستم» حکایت از «من هستم» می‌کند (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۶۸).

از آنجا که کیفیت محیط پیوندی است بین ذهن و بستر عینی، بنابراین ابزار تحقیق آن تبعاً به دو دسته فعالیت تقسیم می‌شود: از یک طرف تغییر در شکل سیمای شهر مدنظر است و از طرف دیگر تغییر در تصورات ذهنی. طراحان بیشتر بر مورد اول تکیه کرده‌اند که فهرست مفصلی را می‌توان از تدابیر اتخاذ شده به وسیله‌ی آنان ارائه داد. در این رابطه می‌توان شبکه‌ی رفت و آمد را به عنوان عامل اصلی ساختار شهر با قابل درک کردن الگوی خیابان‌ها، خوانا کردن تقاطع‌ها یا ایجاد توالی‌های فضایی روشن و مشخص در امتداد معابر مهم روشنی و وضوح بخشید. خیابان دوره‌ی باروک، یک نمونه‌ی کلاسیک از این تأکید است. اینها بخشی از مؤلفه‌های زمینه‌ساز ارتقای کیفیت محیط هستند که هدف طراحی شهری است (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۳۸-۳۷) چنانچه در طرح «پیرایش شهری و

حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» نیز به تحقق این هدف اهتمام شده است. از این زاویه خوانا کردن و ارتقاء بصری محور ناصر خسرو، بعنوان بخشی از مؤلفه‌های زمینه-ساز ارتقاء کیفیت محیط موجه می‌نماید اما به گمان اتاف و بر اساس نظریه لینچ، این نقیصه همچنان باقی است و آن عدم درک هویت محور ناصر خسرو است.

طبق معیارهای «خوانایی و شفافیت»، صرف نظر از مالکیت حقوقی، مردم شهر به شکل فردی و جمعی باید نسبت به بخشی از محیط شهری حس تعلق داشته باشند و نسبت به آن توجه و مسئولیت نشان دهند. محیط شهری به جای آنکه فقط برای کسانی شناخته شده باشد که مالکیت بیشتری دارند باید برای کسانی باشد که از محیط استفاده می‌کنند و از شکل آن متأثر می‌شوند. بر اساس این معیار مردم باید قادر به درک شهرشان باشند. الگوی اساسی شهر، عملکردهای عمومی و مؤسسات آن را بشناسند و از فرصت‌های موجود آگاهی یابند. در یک شهر اصیل سرچشمه‌ی پیدایش چیزها و مکان‌ها با شفافیت دیده شود. این بدان مفهوم است که محیط شهری باید معانی مهم خود را فاش نماید. شهر نباید تحت تسلط یک گروه پر قدرت واقع شود و مکان‌های عمومی آن از انظار پنهان بماند (لینچ، ۱۳۸۱: ۱۸۱-۱۷۷).

این در حالی است که تجمع داروفروشان و تردد موادفروشان و معتادان عملاً باعث خدشه به هویت تاریخی محور ناصر خسرو شده است به طوری که بلافاصله با شنیدن نام خیابان ناصر خسرو آنچه در بادی امر در ذهن تداعی می‌شود مترادف با دارو، مواد مخدر و به طور کلی ناامنی است که جایگزین هویت تاریخی محور ناصر خسرو شده و این مسأله باعث شده تا مکان‌های عمومی با کارکرد تاریخی فرهنگی این محور از انظار پنهان بماند. بدین ترتیب هویت تاریخی ناصر خسرو به عنوان اولین خیابان مدرن ایران با قرارگیری عمارت شمس‌العماره به عنوان تنها اثر ثبت جهانی شده‌ی تهران در این محور، خانه‌ی امام جمعه، مدرسه‌ی دارالفنون یا کوچه و بازارچه‌ی مروی و سرای روشن و... همه از ذهن‌ها پنهان می‌ماند. البته این تداعی با خروج از زیرگذر مترو امام خمینی و در همان ابتدای ورود به خیابان نمود عینی می‌یابد در وضعیتی که به فاصله هر

پنج متر به صورت مکرر و آهسته‌ی لغت دارو به گوش می‌رسد. علاوه بر این معضل که نزدیک به چند دهه، باعث مخدوش شدن هویت محور ناصر خسرو شده، گسترش ناامنی و بزه‌کاری در محور ناصر خسرو و منطقه‌ی ۱۲ عملاً باعث تشدید احساس ناامنی در منطقه شده است. بر همین اساس اگر ساکنان و گروه‌های با نفوذ در فضای شهری به خاطر احساس جُرم‌خیزی، امکان شناسایی خود را در فضا از دست بدهند، احساس امنیت روانی در فضای شهری به احساس ناامنی تبدیل می‌شود. ادراک انسان از مکان، نقش بسزایی در احساس امنیت و افزایش سطح رضایت و آرامش از محیط دارد. فضای خوب شهری زمانی خواناست که واضح باشد و همانند خواندن یک کتاب درک و فهم شود. لینچ نیز در این باره از مهمترین عوامل آشنایی فرد با محیط و تشکیل تصویر ذهنی از محیط را نقش انگیزی آن محیط می‌داند که خود عاملی در جهت ایجاد حس آشنایی و امنیت در محیط است (مویدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۶).

در همین ارتباط، ساختار شهر باید به طور مستقیم از طریق نهادها و به طور نمادی از طریق فضاهای عمومی‌اش دعوت‌کننده و مشوق حیات عمومی باشد. فضای عمومی شهر محل تعامل و معاشرت گروه‌های مختلف مردم باشد؛ محلی که مردمان متفاوت برخورد و معاشرت نمایند. کسی نباید از این فضا طرد شود مگر آنکه توازن حیات آن را مورد تهدید قرار دهد. در همین ارتباط هارولد پروشانسکی^۱ به اهمیت رابطه‌ی متعادل بین هویت مکانی فرد و ویژگی‌های محیط بیرونی تأکید می‌کند. به نظر وی انسان طی زمان برای خود هویتی مکانی قائل می‌شود؛ این هویت مکانی خود تصویری مستقل در ذهن فرد می‌شود. اگر شرایط بیرونی که فرد در ارتباط با آن قرار می‌گیرد و تصور ذهنی وی که در واقع سطح انتظار او را نشان می‌دهد یکسان نباشند، شخص تلاش می‌کند از راه‌های مختلف این انطباق را به وجود آورد و سیستم ذهن خود و فضای بیرون را به تعادل برساند. این امر هم در مورد مسائل اداری و هم رفتاری صادق است. فرد برای رسیدن به این تعادل‌ها سه راه حل متداول را شناسایی می‌کند؛ نخستین راه حل انطباق محیط یا به

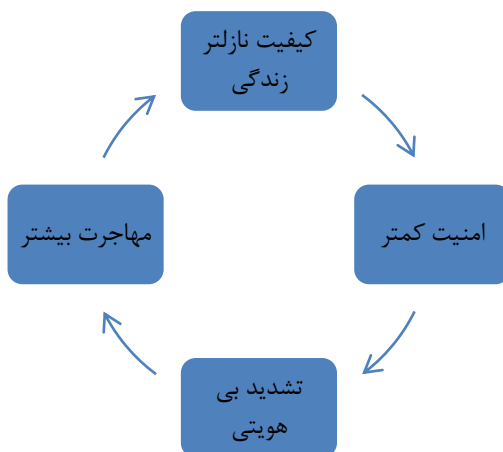
1 . Harold Proshanski

عبارت دیگر تغییر محیط و رساندن آن به سطح کیفی هویت مکانی ذهن شخص است. راه حل دوم انطباق خود یا به عبارت دیگر تغییر دادن خود است. این امر مستلزم پایین آوردن سطح انتظار و در واقع پذیرفتن هویت مکانی جدید است؛ این کار هر چند سخت تر انجام می شود اما انجام پذیر است. سومین راه حل، عکس‌العملی است که منجر به تنش در شخص یا برش از محیط می شود. در صورتی که شخص نه بتواند محیط را مطابق میل خود تغییر دهد، و نه بتواند تصویر ذهنی خویش را تغییر دهد این عدم تطابق از آستانه‌ی تحمل شخص گذشته و وی را به شرایط عکس‌العملی وا می‌دارد. در این شرایط اگر امکان برش و یا به دلایل مختلف تمایل به برش نبود، تنش به حد بحرانی رسیده و مشکلات روانی جدی برای شخص ایجاد می‌کند. پدیده‌ی مهاجرت یا فرم مقطعی آن، یعنی مسافرت نمونه‌ای از بروز عکس‌العمل برش از محیط است (بهزادفر، ۱۳۸۶: ۶۶-۶۵) به نظر می‌رسد آنچه با تشدید احساس ناامنی در محور ناصر خسرو و منطقه‌ی ۱۲ در پیش گرفته شده، گزینش سومین راه حل باشد و گواه آن نیز حضور بسیار کم زنان در منطقه‌ی ۱۲ و محور ناصر خسرو، ترک محله و منطقه از سوی مردم و کم شدن جمعیت بومی و تبدیل منطقه‌ی ۱۲ از منطقه‌ای با کاربری مسکونی به انبارهای تجاری، آفت محسوس جمعیت شب نسبت به روز است؛ به عبارت دیگر جرم، خشونت و ناامنی مانع حضور مردم شده و محدودیت دسترس‌پذیری را در محله ایجاد می‌کند و همانگونه که زوکین و الین بدان اشاره می‌کنند، موجب زوال عرصه‌ی عمومی می‌گردد. مردم در مکان‌هایی که احساس می‌کنند در آنجا اتفاق ناگواری که امنیت‌شان را تهدید خواهد کرد به وقوع می‌پیوندد، حضور نمی‌یابند و بدین ترتیب فضای عمومی جذابیت خود را از دست می‌دهد (احمدی، ۱۳۹۲: ۱۴).

پر واضح است که حضور مردم با میزان برقراری امنیت در محله نیز مرتبط است. همانگونه که گفته شد مردم در فضاهایی که احساس ناامنی می‌کنند و همچنین در فضاهای با کیفیت پایین حضور نمی‌یابند. وقتی محور ناصر خسرو و منطقه‌ی ۱۲ نتوانند نیازهای اولیه‌ی استفاده‌کنندگان هر روزه‌شان (اعم از ساکنان، مغازه‌داران، کسبه و

رهگذران) را از لحاظ کیفی تأمین کنند، چگونه می‌توان انتظار داشت در راستای تحقق اهداف سند چشم‌انداز به عنوان قطب گردشگری تهران برای دیگران جذابیت داشته باشند و جاذب گردشگر و افراد غریبه باشند؟ آیا به صرف زیباسازی سیمای محور ناصر خسرو احساس ناامنی و کیفیت پایین محیط ارتقا خواهد یافت؟

از طرفی کیفیت محیط و زندگی، از عوامل مؤثر بر حرکات جمعیتی درون شهری قلمداد می‌شود. در چند دهه اخیر اُفت کیفیت محیط زندگی در محور ناصرخسر و منطقه‌ی ۱۲ همچون شب‌چی بر ساختار تاریخی و باارزش آن سایه افکنده و پایداری آن را با خطر مواجه ساخته است. نتیجه‌ی این امر، خروج بومیان از این محور تاریخی و باارزش شهر به سمت مناطق نوساز و میانی است. این موضوع خود توالی چرخه‌ی کیفیت نازل‌تر زندگی، امنیت کمتر، تشدید بی‌هویتی و مهاجرت بیشتر را به همراه دارد، که امروزه گریبانگیر این بخش مهم و باارزش از شهر تهران شده است.



نمودار شماره‌ی ۲: چرخه‌ی توالی اُفت کیفیت محیط زندگی و خالی شدن محور ناصر خسرو از سکونت

بدین ترتیب با مهاجرت بیشتر مردم در نتیجه‌ی کیفیت پایین زندگی، امنیت از نخستین مواردی است که به مخاطره خواهد افتاد و خلوت شدن محله، مکانی امن را برای مجرمان فراهم می‌آورد بنابراین ارتقای کیفیت زندگی و محیط شهری، سرزندگی و حس

تعلق به محله و امنیت اجتماعی را تقویت می‌کند. باید گفت با تداوم این چرخه‌ی ناامنی و احساس بی‌هویتی، محور ناصر خسرو جمعیت و حضور مردم را از دست می‌دهد و به تدریج زمینه برای ایجاد ناامنی در آن فراهم می‌شود، چرا که دیگر چشمان نظاره‌گری وجود نخواهند داشت که بتوانند رفتارها را کنترل کنند و بزهکاران به راحتی می‌توانند هر نوع جرمی را مرتکب شوند چنانکه در انتهای کوچه‌ی امام جمعه و در کنار بنای باارزش و تاریخی «خانه‌ی امام جمعه»، وجود مدرسه‌ی مخروبه به محل تجمع معتادان تبدیل شده و کسبه و ساکنان ترجیح می‌دهند در نبود متولی برای مقابله با ناامنی ایجاد شده، محل را ترک یا زود هنگام به تعطیلی کسب و کار خود اقدام کنند.

اثرات این معضل فقط دامن‌گیر اهالی بومی محور ناصر خسرو نبوده بلکه در درازمدت اخبار این نابهنجاری‌ها به خاطر نقش فرا منطقه‌ای این محور، سریعاً منتشر و در سطح شهر تهران و حتی کشور مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در حقیقت با بررسی‌های میدانی مشاهده می‌شود که میزان ترس از وقوع یک جرم خاص در یک منطقه‌ی شهری، ممکن است بسیار بیش از مصادیق به وقوع پیوسته‌ی آن جرم باشد. در مواردی حتی ممکن است با گذشت زمان و اعمال سیاست‌های پیش‌گیرانه، وقوع جرمی خاص در یک منطقه از بین رفته باشد، اما همچنان تصویر ذهنی شهروندان از آن منطقه با جرم مورد نظر همراه باشد. در حقیقت، واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن باعث می‌شود که بسیاری از مردم از خطرات دوری کنند یا حداقل میزان در معرض خطر قرار گرفتن‌شان را کاهش دهند. این خود می‌تواند منجر به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص بلکه در بیشتر فضاهای عمومی شود (سلامتی زارع، ۱۳۹۳: ۷). طبیعتاً این تصویر ذهنی از محور ناصر خسرو و منطقه‌ی ۱۲ به عنوان مکانی ناامن و جرم‌خیز که هم اکنون نیز در حال برجسته شدن است، می‌تواند تأثیری شگرف و مختل‌کننده برای تحقق کارکردهای تاریخی فرهنگی منطقه‌ی ۱۲ و تحقق اهداف طرح تفصیلی و خدشه‌ای بزرگ بر سیمای هویتی آن باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق این اتاف توصیفی، پیمایشی و میدانی است. توصیف ذینفعان قبل از اجرا، حین اجرا و بعد از اجرای اقدام مداخله‌ای، به وسیله‌ی داده‌های پژوهش انجام پذیرفته است و چون اطلاعات به دست آمده از دیدگاه‌ها، باورها، نظرات و رفتارهای ذینفعان و کارشناسان نشأت می‌گیرد، پیمایشی و به دلیل اینکه پیمایش از طریق حضور در محل فعالیت اقتصادی و سکونت ذینفعان انجام گرفته، میدانی است. پروژه‌ی ارزیابی تأثیرات اجتماعی، به دنبال یافتن راهبردی مناسب با کمترین آثار منفی است و از طرف دیگر با استفاده از اصول و مراحل ارزیابی تأثیرات اجتماعی استاندارد به شناسایی، برآورد و مدیریت پیامدهای اجتماعی می‌پردازد؛ به همین دلیل از تکنیک‌های مطالعات ارزیابی تأثیرات اجتماعی استفاده شده است.

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل سه گروه ساکنان، کسبه‌ی محور، متقاضیان کالا و خدمات و رهگذران محور ناصر خسرو و هم‌چنین مسئولان و مدیران سازمان زیباسازی شهر تهران است که بر اساس مطالعات کیفی و اکتشافی اولیه برای هر گروه، به تفکیک پرسشنامه‌هایی طراحی شده است؛ در مورد ساکنان، کسبه و رهگذران برای هر یک ۱۰۰ پرسشنامه (در مجموع ۳۰۰ پرسشنامه) به صورت تصادفی توزیع گشته و حجم نمونه و شیوه‌ی نمونه‌گیری از مسئولان برای مصاحبه به صورت هدفمند، نمونه‌گیری شده، بدین ترتیب از مسئولان و کارشناسان مرتبط سازمان‌های درگیر با پروژه، مصاحبه صورت گرفته و مصاحبه تا اشباع نظری ادامه یافته است.

تکنیک‌ها و ابزار گردآوری داده‌ها و تحلیل آنها

گردآوری داده‌ها و دامنه‌یابی معضل گسترش زوائد بصری، احساس ناامنی و بی-هویتی در محور ناصرخسرو در روند ده سال گذشته، شرایط مبنایی و ده سال آینده، قابلیت استخراج به شکل کیفی و کمی را دارد. برای گردآوری داده‌های کمی از دو طریق اقدام شد: از یکطرف داده‌های جاری که در سازمان‌های مختلف گردآوری شده است و

معمولاً تحلیل و تفسیر هم ندارد و از طرف دیگر با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه و مشاهده از ذی‌نفعان، اطلاعاتی را که قابلیت استخراج دارد، جمع‌آوری شد. در برآورد تأثیرات و تجزیه و تحلیل اقدام توسعه‌ای پیرایش شهری، به دلیل وجود متغیرهای کمی و کیفی، از روش مقایسه‌ای، پیش‌بینی ساده‌ی روندها، ضریب جمعیتی و سناریوها برای پیش‌بینی تأثیرات استفاده و از تکنیک‌های تدوین راهبرد برای ارائه‌ی بهترین راهبرد کمک گرفته شد.

یافته‌های تحقیق

متأثران (ذینفعان) پروژه

با توجه به اهداف پروژه، اطلاعات جامعی درباره‌ی ویژگی‌های اصلی و مهم برندگان و بازندگان اقدامات توسعه‌ای پروژه‌ی «پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» فراهم شد. ذینفعان اقدام توسعه‌ای پروژه‌ی پیرایش شهری در سطح خرد و میانه شامل شهروندان اعم از رهگذران و گردشگران، متقاضیان کالا و خدمات، کسبه، ساکنان و سمن‌ها خواهند بود و در سطح کلان (منطقه، استان و در سطح وسیع‌تر کشور) شهرداری منطقه‌ی ۱۲، سازمان زیباسازی و مدیریت شهری تهران خواهند بود.

برآورد پیامدها

بررسی دیدگاه‌های ذی‌نفعان درباره‌ی تأثیرات برآورد پیامدهای پروژه پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو در این بخش آمده است. اهمیت یافته‌های ارائه شده در این بخش را در چند بند می‌توان خلاصه کرد:

اول، برخی متغیرهای بررسی شده، ذهنی^۱ هستند و بجز سنجش از طریق پیمایش راهی برای بررسی آن‌ها وجود نداشته است برای مثال، نظر مردم درباره‌ی کیفیت زیبایی منظر محور ناصر خسرو اساساً ذهنی است و اظهار نظر مردم را باید مبنای داوری قرار داد.

دوم، برخی داده‌های به دست آمده در این پیمایش‌ها را می‌توان در کنار شواهد به

دست آمده از سایر مطالعات میدانی - نظیر مصاحبه‌ها یا اسناد به دست آمده - قرار داد و به نتیجه‌گیری بهتری رسید.

سوم، نظر مردم حتی زمانی که عینی^۱ نباشد، اهمیت دارد. مردم بر اساس نظرات‌شان به واقعیت‌ها و مسائل واکنش نشان می‌دهند بنابراین حتی وقتی نظرات‌شان با واقعیت تطابق نداشته باشد، می‌تواند منبع نارضایتی یا مشکلات دیگر باشد. بنابراین باید با تعریف برنامه‌های منسجم اطلاع‌رسانی و مدیریت افکار عمومی به اصلاح نظر غیرواقعی مردم پرداخت. از این رو، پیمایش انجام شده نتایج مهمی برای مدیریت طرح در بر خواهد داشت.

به کمک منطق ارزیابی تأثیر اجتماعی، متغیرهایی که در بخش قبل مرور شد و شناختی که از طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری به دست آمد، اکنون قادریم تأثیرات احتمالی پیامدها را بدون اقدام مداخله‌ای یا با انجام اقدام مداخله‌ای و در نظر گرفتن راهبرد پیشنهادی در حوزه‌ی مداخله‌ی آن بررسی کنیم. تأثیراتی که فهرست شده‌اند شامل تأثیرات منفی و مثبت است که در دو جدول شماره‌ی ۲ و ۳ آمده است.

برآورد پیامدها برای ده سال آینده بدون اقدام مداخله‌ای و عدم بهره‌گیری از راهبرد پیشنهادی

روش‌های ارزیابی آینده در مرکز فرآیند اتاف قرار دارند و بیشتر مراحل تحلیل، با این تلاش‌ها در ارتباط هستند. در برآورد پیامدها، از روند خط مستقیم به معنای در نظر گرفتن روند وضع موجود گسترش زوائد بصری، احساس ناامنی و حس عدم تعلق به مکان در محور ناصر خسرو و به همان میزان، تغییر در آینده استفاده شده است. فرض می‌شود آنچه در گذشته اتفاق افتاده، ممکن است در آینده نیز رخ دهد. روش‌های تطبیقی، تغییر جمعیت، معناداری آماری، سناریوها و قضاوت متخصصان در مواردی که قابلیت استفاده داشته، روش روند خط مستقیم را همراهی کرده است.

مطابق با داده‌های جدول شماره‌ی ۲، با گسترش زوائد بصری، احساس ناامنی و حس

عدم تعلق به مکان در محور ناصر خسرو طی چند دهه‌ی اخیر و ادامه‌ی آن تا سال ۱۴۰۰، دور شدن هر چه بیشتر محور ناصرخسرو و به طور کلی منطقه‌ی ۱۲ از کارکردهای تاریخی، فرهنگی و گردشگری آن را شاهد خواهیم بود. از سوی دیگر، گسترش ناامنی و احساس بی‌هویتی می‌تواند منشأ کاهش قلمرو فردی باشد و به تبع آن اُفت آزادی، اُفت توانایی و آسیب‌های مخرب اجتماعی را به بار آورد.

بر همین اساس به عنوان نمونه، وسعت و میزان تغییر جمعیت معنای مهمی را برای نیازهای زیربنایی اجتماع در بر دارد و می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ی سایر تأثیرات مالی و اجتماعی باشد. سه شاخص اصلی این متغیر عبارتند از حجم تغییر جمعیت، تراکم جمعیت و میزان ورود و خروج افراد. در این وضعیت به همان نسبت که احساس ناامنی و بی‌هویتی گسترش یافته، مهاجرت ساکنان و کاهش رفت و آمد نیز شدت یافته است. طبق داده‌های سازمان آمار کشور در دوره‌ی ده ساله‌ی ۸۱ تا ۹۰، خریداری یا اجاره‌ی ملک در این ناحیه و مخصوصاً محدوده‌ی ناصرخسرو به میزان ۵۰ درصد برای سکونت و ۵۰ درصد برای فعالیت تجاری بوده ولی در انتهای این ده سال خریداری یا اجاره‌ی ملک، به میزان ۲۰ درصد برای سکونت و ۸۰ درصد برای فعالیت تجاری بوده است و اگر این تغییرات برای ده سال آینده‌ی منتهی به سال ۱۴۰۰ هم ادامه یابد، محدوده‌ی ناصرخسرو و ناحیه‌ی ۲ عاری از سکونت خواهد شد. استمرار این فرآیند فو موجبات پیامدهای زیر خواهد شد.

جدول شماره‌ی ۲: جدول برآورد پیامدها بدون اقدام مداخله‌ای و عدم توجه به راهبرد پیشنهادی

تأثیرات	علت	نتیجه‌ی تأثیر	ماهیت تأثیر	شدت تأثیر	گستره تأثیر	ی	برگشت پذیر
افزایش احساس ناامنی و کاهش سلامت روانی عمومی در محور	<ul style="list-style-type: none"> - تردد فروشنده‌گان مواد و دارو و تجمع بزهکاران و معتادان در محور - عدم توجه دستگاه‌های مربوط و نبود متولی برای ارتقاء امنیت در محور 	<ul style="list-style-type: none"> - خالی شدن محور از سکونت و تردد - غلبه‌ی عبور بر حضور - بدنامی محور و پنهان ماندن ارزش‌ها و مکان‌های تاریخی - فرهنگی محور از انظار - کاهش تردد بانوان در محور 	منفی	زیاد	فرا منطقه‌ای	دارد	
افزایش روند کاربری مسکونی به تجاری در محور	<ul style="list-style-type: none"> - افت کیفیت شرایط زندگی در محور - گسترش احساس ناامنی در محور 	<ul style="list-style-type: none"> - جایگزینی زندگی مجردی و چند نفره بجای جمعیت خانوادگی و اصیل محور - گسترش بافت‌های فرسوده - مهاجرت و کاهش جمعیت اصیل محور 	جهت	کم	محله	کم	
تسلط بخش اقتصادی خاص در محور	<ul style="list-style-type: none"> - حضور اصناف مغایر با کارکردهای تاریخی فرهنگی محور همچون صنف شیمیایی فروشان، الکتریکی‌ها - تجمع دارو و مواد فروشان در محور 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم تحقق کارکردهای فرهنگی تاریخی محور - عدم جذب گردشگران 	منفی	زیاد	محور	دارد	
افزایش بی‌اعتمادی مردم منطقه به مدیریت شهری	<ul style="list-style-type: none"> - عدم توجه مدیریت شهری به رفع مشکلات اصلی محور همچون افت کیفیت زندگی، گسترش ناامنی و عدم رعایت حقوق شهروندی 	<ul style="list-style-type: none"> - خروج و مهاجرت از محور - هدر رفت زحمات مدیریت شهری - تأخیر در تحقق اهداف اسناد بالادستی شهر تهران 	جهت	کم	محله	کم	

اقتصادی منطقه‌ی ۱۲	تحقق کارکردهای تاریخی، فرهنگی و	دور شدن از طرح تفصیلی و عدم	<ul style="list-style-type: none"> - گسترش ناامنی در محور - افزایش زوائد بصری در محور - عدم توجه به مقوله‌ی توسعه‌ی پایدار و متغیرهایی همچون امنیت و هویت 	- عدم تحقق اهداف طرح جامع در احیاء قلب تاریخی تهران	بهره	نوع	وابسته	و	آراء
--------------------	---------------------------------	-----------------------------	--	---	------	-----	--------	---	------

جدول شماره‌ی ۳: جدول برآورد پیامدها با اقدام مداخله‌ایی و در نظر گرفتن راهبرد پیشنهادی

تأثیرات	علت	نتیجه‌ی تأثیر	ماهیت تأثیر	شدت تأثیر	گستره تأثیر	برگشت پذیری
اختلال در زندگی روزانه و الگوی حرکتی در محور نارضایتی کسبه	<ul style="list-style-type: none"> - طولانی شدن نصب داربست‌ها و مشکل در عبور و مرور شهروندان - تعرض به حق مالکیت و خسارت به کسبه (پیشروی در متراژ بنا، خسارت به لوازم و کالاها، کاستن از ارتفاع و نورگیر مغازه) - تأثیر اقدام مداخله‌ای بر کاهش تقاضا و کسب و کار کسبه - عدم هماهنگی و نظرخواهی از کسبه در روند اجرای پروژه - کیفیت پایین مصالح زیباسازی اعم از کرکره، پرده‌ی آفتاب‌گیر و.. 	<ul style="list-style-type: none"> - همکاری ضعیف کسبه در اجرا و پیشبرد پروژه و شکایت به مراجع مرتبط و مؤثر به دلیل اختلال در کسب و کار و احساس تعرض به حقوق مالکیت آنان - احتمال ایجاد درگیری بین کسبه و نیروی انسانی درگیر در پروژه‌ی اجرای پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو 	منفی	متوسط	محور	دارد

بهبود منظر و زیبایی چشم‌انداز شهری	افزایش زیبایی بصری ناشی از یکدستی کرکره‌ها، سایه‌بان‌ها و تابلوهای مغازه‌ها - نورپردازی محور - حذف زوائد و پیرایش شهری محور	مثبت	متوسط	محور	دارد
افزایش قیمت‌های پیشنهادی ملک	- توجه مدیریت شهری به نوسازی منطقه - افزایش عبور و مرور به محور - بهبود و زیبایی منظر - رونق کسب و کار و حضور و تمایل به زندگی در ناحیه و منطقه	مثبت	متوسط	محور	دارد
مدیریت شهری اعتماد مردم منطقه به	- توجه مدیریت شهری به مقوله توسعه‌ی پایدار و متوازن - رعایت حقوق شهروندی - بهبود کیفیت زندگی در محور	مثبت	متوسط	منطقه	دارد
کاهش و جلوگیری از روند خروج از محله	- افزایش حس تعلق به مکان در نتیجه توجه مدیریت شهری به محور - ارتقاء کیفیت زندگی در محور	مثبت	زیاد	محور	دارد
	- برنامه‌ریزی رهگذران برای انتخاب محور به عنوان مسیر عبور به دلیل افزایش جذابیت‌های بصری آن. - جذب مشتریان و رهگذران و رونق کسب و کار محور - افزایش گردشگری در محور				
	- نزدیک‌تر شدن قیمت فروش و اجاره املاک به متوسط قیمت املاک همجوار محدوده - افزایش قیمت پیشنهادهای فروش و اجاره‌ی ملک از ناحیه‌ی عرضه‌کنندگان آن به دلیل تمایل به سکونت و رونق کسب و کار - خوش‌بینی به آینده‌ی بهتر محور در سایه‌ی توجه مدیریت شهری				
	- افزایش اعتماد سمن‌ها، موسسات دولتی و غیر دولتی و مردم به برنامه‌ریزی مدیریت شهری به دلیل پی‌گیری عالمانه‌ی آن با رعایت حقوق شهروندی آنان.				
	- جلوگیری از روند فرسودگی بافت‌های محور - حفظ هویت و پویایی تاریخی فرهنگی منطقه‌ی ۱۲				

نتیجه‌گیری

هدف از ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی، آگاهی بیشتر بر تأثیرات اولیه، ثانویه، انباشتی ناشی از اقدام مداخله‌ایی، به منظور ارائه توصیه‌هایی برای افزایش پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی ناشی از آنها است. بعداز شناخت تأثیرات، نیازمند

سیستمی هستیم که بتواند به بهترین شکل این پیام‌ها را منتقل کند و کارآمد باشد.

تیم اتاف پروژه «پیرایش شهری و حذف زائد بصری محور ناصر خسرو» با عنایت به اینکه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی در رابطه با پروژه‌ای انجام می‌شود که در حال انجام است (اتاف در حین اجرای اقدام مداخله‌ای) خواستار این بود که با اطلاعات به دست آمده در بررسی‌های میدانی و مصاحبه‌های تخصصی در جلسات مستمر با ذی‌نفعان و استفاده از فرایند علمی تدوین استراتژی، راهبردی را استخراج کند که مورد قبول همه‌ی آنها بوده و در ادامه‌ی پروژه‌ی طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو از آن استفاده شود بنابراین، با در نظر گرفتن این موارد، راهبرد اتاف پیش رو در نظر دارد ضمن ارائه‌ی توصیه‌هایی برای افزایش پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی ناشی از اقدام مداخله‌ای «طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصر خسرو» در سطحی بالاتر، توجه سازمان زیباسازی را برای ثمر بخش بودن طرح‌هایی از این دست (طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری) به همسویی و مطابقت با اسناد بالادستی همچون سند طرح جامع تهران و طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ معطوف دارد. در این ارتباط امید است همکاری و تعامل سازمان زیباسازی با سایر نهادهای متولی امنیت، نسبت به ارتقاء امنیت محور ناصر خسرو تا حدودی زمینه‌ی تحقق کارکردهای گردشگری، تاریخی و فرهنگی آن محور را فراهم آورد. روشن است که تأمین امنیت از جمله وظایف سازمان مدیریت شهری به شمار نمی‌آید و پر واضح است که در اتاف پیش رو نیز گوشزد کردن و تذکر در باب غفلت طرح از این متغیر نه به عنوان بیان قصور سازمان زیباسازی بلکه از قضا به عنوان برجسته کردن نقش مختل‌کننده‌ی متغیر ناامنی در تحقق اهداف و تلاش‌های سازمان زیباسازی مدنظر تیم اتاف بوده است.

بدیهی است که هر پروژه یا اقدام توسعه‌ای دارای آثار و پیامدهایی است؛ هر چه اقدام آگاهانه‌تر باشد، آثار منفی کمتر و آثار مثبت بیشتر خواهد بود بنابراین تا زمانی که راهبردهای تدوین شده برای کاهش و یا حذف پیامدهای منفی اثر خود را بگذارد، باید با

یک دسته اقدامات مستمر شامل اجتناب، تعدیل و جبران، آنها را مدیریت کرد. انتقال فروشندگان دارو و مواد و جلوگیری از عدم تجمع بزه‌کاران از محور ناصرخسرو و در مجموع ارتقاء امنیت محور در راستای رویکرد تاریخی، گردشگری و فرهنگی محور، ناحیه و منطقه‌ی ۱۲ الزامی است؛ پس توجه بیشتر به راهبردهای ارائه شده برای کاهش آثار منفی پیامدها، مدیریت کارفرما را کاملتر خواهد کرد و در بلندمدت منافع بسیار بیشتری برای مدیریت شهری و شهروندان خواهد داشت. عملیاتی شدن راه حل‌ها با استفاده از راهبردهای ارائه شده، محیط جدیدی از همکاری‌های بین سازمانی یا بخش دولتی با بخش عمومی (شهرداری‌ها) را فراهم خواهد نمود که در آن فضای تفاهم، می‌توان تحقق اهداف طرح تفصیلی را انتظار داشت. عوامل دیگری غیر از سازمان زیباسازی در ایجاد محیطی سازنده برای بهبود فرایند اجرای طرح و دستیابی به خروجی‌های مفید مؤثر هستند که باید اقداماتی با عناوین اجتناب، جبران و تعدیل داشته باشند که مهمترین آنها به شرح جدول شماره‌ی ۴ است.

جدول شماره‌ی ۴: عوامل، اقدامات زنجیره‌ای و فعالیت‌های مربوط به آن

ردیف	عامل	اقدامات زنجیره‌ای	فعالیت
۱	کسبه	اجتناب	همراهی نکردن
		جبران	حفظ زیبایی بصری و پیرایش نماها
		تعدیل	کاهش خواسته‌های غیر منطقی، توجه بیشتر به دیدگاه شهروندی
۲	سازمان زیباسازی	اجتناب	همراهی نکردن
		جبران	شفافیت در اطلاع‌رسانی، استفاده از مصالح با کیفیت
		تعدیل	کاستن از نگاه صرف زیباشناسانه و توجه به دیگر متغیرهای دخیل در امر مدیریت شهری همچون توسعه‌ی پایدار
۳	رهگذران	اجتناب	همراهی نکردن
		جبران	افزایش حرکت در مسیرهای تاریخی فرهنگی شهر
		تعدیل	کاهش خواسته‌های غیر منطقی و تحمل صبر و حوصله
۴	ساکنان	اجتناب	همراهی نکردن
		جبران	توقف در دادن املاک مسکونی برای کاربرد انبار
		تعدیل	مقاومت در خروج از محله
۵	دیگر سازمان‌های مدیریت شهری	اجتناب	همراهی نکردن
		جبران	نگاه شهروندی به وظایف محوله
		تعدیل	انجام مأموریت به درستی

۶	سمن‌ها	اجتناب	همراهی نکردن
		جبران	ارائه‌ی اطلاعات مورد نیاز
		تعدیل	شرکت در جلسات و ارائه‌ی راهبردها

تیم تحقیق با عنایت به اینکه ارزیابی تأثیرات اجتماعی و فرهنگی در رابطه با پروژه‌ای انجام می‌شود که در حال انجام است، پیشنهادهای خود را در دو سطح به شرح زیر بیان می‌دارد.

سطح اول: ارائه‌ی توصیه‌هایی برای افزایش پیامدهای مثبت و کاهش پیامدهای منفی ناشی از اقدام مداخله‌ای که در جداول شماره‌ی ۵ و ۶ آمده است:

جدول شماره‌ی ۵: پیشنهادهایی برای تقویت پی‌آمدهای مثبت

۱	ادامه‌ی کار گروه تسهیلگری و تسری آن به دیگر پروژه‌ها با دادن اختیارات بیشتر
۲	رایزنی برای مشخص کردن تکلیف حضور داروفروشان در محور
۳	رایزنی برای استقرار ایستگاه (کانکس) پلیس در محور برای تقویت و استمرار احساس امنیت
۴	تهیه‌ی اطلس خیابان ناصرخسرو به عنوان اولین خیابان‌ها در تهران
۵	تبدیل گاراژهای قدیمی محور، به مراکز فرهنگی یا پارکینگ وسایل نقلیه
۶	تشویق تورهای گردشگری و تهرانگردی برای گذر از این محور
۷	رایزنی برای باز شدن درب کاخ گلستان از محور ناصر خسرو و نورپردازی شمس‌العماره
۸	ساماندهی مکانی - زمانی دستفروشان محور
۹	ایجاد گذر مطبوعات در محور یا معرفی به عنوان پایگاه نشر و روزنامه‌نگاری
۱۰	ایجاد بارگیری و بارانداز در محور
۱۱	احداث سرویس بهداشتی عمومی در محور

جدول شماره‌ی ۶: پیشنهادهایی برای تعدیل پی‌آمدهای منفی

۱	برگزاری جلسه با کسبه‌ی محور یا ایجاد شورای مجری طرح
۲	ایجاد مکانیزم‌های نظارتی و پاسخگویانه از پیمانکار طرح
۳	بهبود و ارتقاء کیفیت مصالح و مواد به کار رفته در پروژه
۴	تسریع در جبران خسارات وارد شده به برخی کسبه

۵	مشخص کردن زمان پایان پروژه و روند تکمیل بلوک به بلوک
۶	در نظر گرفتن مکانیزم‌هایی برای حفظ و نگهداری پروژه (تدوین آیین‌نامه و شورایی متشکل از کسبه و کارفرما)

سطح دوم: همسویی و تطابق هر اقدام توسعه‌ای با اسناد بالادستی (طرح جامع تهران، طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ و...)، برای تحقق کارکردهای فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی در حوزه‌ی اقدام

یکی از ویژگی‌های مهم اتاف، کل‌نگری و توجه کردن به تأثیرات ناشی از اقدامات توسعه‌ای در بستر کلی محیطی است که این اقدامات انجام می‌شوند. برای شناخت تأثیرات ناشی از طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصرخسرو نیز باید ابتدا وضعیت منطقه‌ی ۱۲ تهران را شناخت تا بتوان منطق طرح و تأثیرات آن را شناسایی کرد. منطقه‌ی ۱۲ شهرداری تهران ویژگی‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و جمعیت شناسی خاصی دارد که گوشه‌هایی از آن در بخش‌های قبلی گزارش حاضر مورد توجه قرار گرفت که این ویژگی‌ها اقدامات توسعه‌ای خاصی را بر روی محورهای واقع در این منطقه از جمله محور ناصرخسرو از سوی مدیریت شهری ایجاد می‌کند.

شناسایی ویژگی‌های منطقه‌ی ۱۲ شهرداری تهران باید هم‌چنین بر اساس اسناد بالادستی‌ای که الزامات توسعه در این شهر را مشخص کرده‌اند، صورت بگیرد. اسنادی چون طرح جامع شهر تهران، طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ و سندی که با عنوان «بیانیه‌ی مشترک تجدید ساختار مرکز تاریخی تهران» تدوین شده است؛ از این رو برای اجرای هرگونه اقدام توسعه‌ای لازم است شرایط خاص منطقه‌ی ۱۲ مدنظر قرار گیرد. اگر چه طبق اهداف طرح جامع و سند تفصیلی بناست منطقه‌ی ۱۲ تا سال ۱۴۰۰ به عنوان مرکز تاریخی پایتخت و شهر تهران به عنوان پایتخت ایرانی - اسلامی برجسته گردد اما سرعت شتابان اُفت کیفیت زندگی، افزایش روند خروج سکنه از منطقه، افزایش ناامنی و بی‌اعتمادی، گسترش بافت‌های فرسوده و... در منطقه با اهداف در نظر گرفته شده در تضاد است؛ پس هر اقدام توسعه‌ای برای مفید واقع شدن باید با توجه به معضلات

برشمرده، در تناسب با تحقق سایر کارکردها و تا حد امکان هماهنگ با آن پیش برود. بدین منظور دو راهکار زیر را می‌توان در نظر گرفت:

الف) تشکیل کارگروه یا کمیته‌ی دائمی نظارتی در سازمان زیباسازی برای تطبیق و هماهنگ‌سازی اقدامات توسعه‌ای با اهداف اسناد بالادستی

این کارگروه یا کمیته موظف خواهد بود تا هرگونه اقدام توسعه‌ای مصوب را از لحاظ تطابق با این اسناد مورد نظارت قرار داده و در صورت عدم همخوانی با اهداف اسناد بالادستی مشمول تجدیدنظر یا لغو نماید. در مرحله‌ی بعد و در صورت تأیید طرح، پیش‌نیازهای تحقق مطلوب آن را بررسی نماید. در این زمینه توجه به مقولات توسعه‌ی پایدار همچون امنیت، هویت و بهبود کیفیت زندگی راهگشا خواهد بود.

ب) تشکیل کمیته‌ای ویژه به منظور هماهنگی با سایر نهادهای درون و برون سازمانی

موفقیت یک طرح در کلان‌شهری همچون تهران به طور عام و در منطقه‌ی ۱۲ به طور خاص، نیازمند همکاری‌های بین‌بخشی و در واقع قدرت هم‌افزایی سازمان‌های رسمی است. در صورت عدم تحقق چنین وضعیتی، امید چندانی به موفقیت طرح‌های بزرگی همچون طرح پیرایش شهری و حذف زوائد بصری محور ناصرخسرو با وجود صرف بودجه و وقت زیاد و زحمات شبانه‌روزی از سوی مدیریت شهری وجود ندارد. به عنوان مثال می‌توان از ناامنی به عنوان عامل اصلی عدم ثمربخشی طرح‌های توسعه‌ای در منطقه‌ی ۱۲ نام برد.

منابع

- آتشین‌بار، محمد؛ منصور، سید امیر؛ شیبانی، مهدی. (۱۳۹۱). نظم عنصر اصلی در تحلیل منظر خیابان، فصلنامه‌ی باغ نظر، شماره‌ی ۲۳، سال نهم، زمستان، صص ۹۳-۱۰۲.
- احمدی، مارال. (۱۳۹۲). امنیت و کیفیت محیط و زندگی در بافت فرسوده‌ی تاریخی (نمونه‌ی موردی: محله‌ی تاریخی امامزاده یحیی(ع))، نشریه‌ی اینترنتی نوسازی، سال چهارم، شماره‌ی ۲۱، مهرماه، صص ۲۰-۱.
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۸۶). هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران.
- پاپلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۸۶). گردشگری (ماهیت و مفاهیم)، تهران: سمت.
- سلامتی‌زارع، اکرم. (۱۳۹۳). طراحی شهری همسو یا در تقابل ایجاد احساس امنیت در فرد (نمونه‌ی موردی: شهر دزفول)، نهمین سمپوزیوم پیشرفت‌های علوم و تکنولوژی، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه‌ی پایدار، کمیسیون اول، مشهد، آبان، صص ۷-۱.
- زیاری، کرامت‌الله. (۱۳۸۵). توسعه‌ی پایدار و مسؤلیت برنامه‌ریزان شهری در قرن بیست و یکم، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۴۵، زمستان، صص ۸۵-۱۰۵.
- شایان، حمیدرضا؛ کامل‌نیا، حامد؛ وثاق، حامد. (۱۳۸۹). بررسی نقش و جایگاه معیارهای اجتماعی در تحقق‌پذیری مرمت بافت‌های باارزش تاریخی، فصلنامه‌ی آبادی، سال بیستم، شماره‌ی ۳۲ (پیاپی ۶۷)، تابستان، صص ۲۴-۱۸.
- صفامنش، کامران. (۱۳۷۵). بهسازی خیابانی تاریخی در تهران، مجله‌ی آبادی، شماره‌ی ۲۰، صص ۸۸-۸۲.
- صفامنش، کامران؛ منادی‌زاده، بهروز. (۱۳۷۵). تاریخچه‌ی خیابان ناصر خسرو تهران، نشریه‌ی میراث فرهنگی، شماره‌ی ۱۵، صص ۳۹-۲۶.
- ضابطیان، الهام؛ بمانیان، محمد رضا؛ رفیعیان، مجتبی. (۱۳۸۹). بررسی الگوی برنامه‌ریزی کاربری فضاها‌ی شهری مؤثر بر افزایش امنیت زنان، فصلنامه‌ی علوم اجتماعی، شماره‌ی ۴۸، صص ۱۴۸-۱۰۷.

- فاضلی، محمد. (۱۳۸۹). **ارزیابی تأثیرات اجتماعی**، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- لینیچ، کوین. (۱۳۸۱). **تئوری شکل خوب شهر**، ترجمه‌ی سید حسین بحرینی، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- گلشنی، مهدی. (۱۳۷۷). **بررسی وضعیت موجود بدنه‌ی خیابان ناصر خسرو**، تهران: انتشارات سازمان زیباسازی شهر تهران.
- محمدزاده مهر، فرخ. (۱۳۸۱). **نگاهی به سیر تداوم و تحول در فضاهای شهر**، میدان توپخانه‌ی تهران، تهران: پیام سیما.
- موحد، علی. (۱۳۸۶). **گردشگری شهری**، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.
- مؤیدی، محمد؛ علی‌نژاد، منوچهر؛ نوایی، حسین. (۱۳۹۲). **بررسی نقش مؤلفه‌های منظر شهری در ارتقاء سطح احساس امنیت در فضاهای عمومی شهری** (نمونه‌ی مورد مطالعه: محله‌ی اوین تهران)، **فصلنامه‌ی مطالعات امنیت اجتماعی**، شماره‌ی ۳۵، پاییز، صص ۱۵۹-۱۹۱.
- مهندسان مشاور مانیستار پارسه. (۱۳۹۳). **انجام مطالعات پروژه‌ی جداره‌سازی محور ناصر خسرو**.
- مهندسین مشاور باوند. (۱۳۸۵). **طرح تفصیلی منطقه‌ی ۱۲ شهر تهران**.
- Choguill, C. (2007), **Developing Sustainable Neighborhoods Habit International**, Vol.27, No. 373, Culling Worth, Barry of Vincent, (2002), Nadin, Town and Country Planning in the UK, Routledge, London.
- Hall, p. (1993). **Toward Sustainable, Liveable and Innova Live Cities for 21 Century**, Inproceedings of the Third Conference of the World Capitals, Tokyo, pp. 22-28.
- Haughan, G. (1997), **Developing Sustainable Urban Development modals**, journal of cities, vol 14, no 4.
- Macneill, Jim, Cox, John E. and Jackson, I. (1991), **Sustainable Development the Urban Challenge**, Ekistics, vol. 348, pp: 195-198.
- Mukomo, s. (1996), **Sustainable Urban Development in Sub-Saharan African Cities**, 13 (40), pp.260-271.
- Peter, p. Rogers, Kazi F. Jalal, John A. Boyd. (2008), **An Introduction to Sustainable Development**, Published by Glen Educational Foundation, Newyork.
- Tosum, C. (2001), **Challenge of Sustainable Tourism Development in the Developing World**, Tourism Management, Routledge, London.

